

## معرفی تکنیکی آسان برای اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی کودکان کم‌توان ذهنی

سید جلال یونسی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در این مقاله استفاده از تکنیک فهرست ساختارهای ذهنی (Repertory grid) جهت اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی کودکان توضیح داده شده است. با توجه به سادگی زیاد تکنیک و این که بی‌واسطه محققین را قادر به دسترسی به مفاهیم ذهنی کودک می‌نماید بیانگر این امر است که این تکنیک بدیع در اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی کودکان کم‌توان ذهنی بایستی دارای کاربرد قابل توجه باشد. در این مقاله چگونگی بکارگیری آن در کودکان با هر نوع توانمندی ذهنی به تفصیل توضیح داده می‌شود. به عنوان نمونه چگونگی اندازه‌گیری مفاهیم بدنی کودکان به عنوان یکی از موارد کاربرد این شیوه در مطالعه‌ای مقدماتی توضیح داده می‌شود:

- ۱ - ۲۰ تصویر از کودکانی که در حال انجام اعمال در موقعیت‌های مختلف هستند تهیه گردید.
- ۲ - با استفاده از این تصاویر مصاحبه‌هایی با ۱۷ کودک جهت استخراج ساختارهای ذهنی آنها از بدن، انجام گردید. حدود ۶-۸ ساختار ذهنی از هر کودک استخراج گردید.
- ۳- ۱۲ ساختار ذهنی (Constructs) که کودکان به طور مشترک در طول مصاحبه‌ها تکرار کردند انتخاب گردید و ۹ عنصر (Elements) که به بعضی از موقعیت‌ها اشاره دارد فراهم شد.
- نهایتاً اینکه ۱۲ کودک به طور انفرادی این فهرست ساختارها را کامل کردند.
- نتایج مقدماتی از مقبولیت منطقی برخوردار است و نشان می‌دهد که این تکنیک قادر به اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی کودکان با هر سطح توانایی ذهنی در گروه‌های بزرگتر می‌باشد.

<sup>۱</sup> دکتر سیدجلال یونسی - دکترای تخصصی در روانشناسی بالینی از انیستیتو روانپزشکی دانشگاه لندن، استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

## A SIMPLE TECHNIC IN MEASURING OF MENTAL CONCEPTS AMONG MENTAL RETARDED CHILDREN

S.J. Younesi

### ABSTRACT:

*In this study development of BCI (Body Concept Inventory) for measuring body image among children and adolescents has been explained. Reliability and validity of this instrument according to Professor Kelly's approach has been described. Results of the pilot study showed that this method is able to assess the body image in different situations. Moreover the results indicate that this inventory can be used in studies involving different groups of children and adolescents with all levels of mental capabilities.*

**Key words:** *Body image, BCI, Physical condition, Mental retardation*

کلی<sup>۱</sup> (۱۹۵۵) به خاطر پیشنهادش بسیار مشهور است: (( اگر شما دوست دارید چیزی را درباره شخصی بدانید، باید از او سوال کنید)). شاید این جمله کلی به نظر خیلی ساده آید ولی در زمانی که روانشناسان جهت دسترسی به اطلاعات وسیع و عمیق در افراد تنها تست‌های فرافکن (Projective) را به کار می‌بستند این جمله قیامی بر علیه سنت موجود بود. این نظریه را به ایجاد تکنیکی سوق داد که به استخراج اطلاعات از آزمودنی‌ها منتهی گردید. این تکنیک که فهرست ساختارها نامیده می‌شود، به طور وسیعی در حال حاضر در مطالعات تجربی و کلینیکی استفاده می‌شود. یک دلیل برای افزایش استفاده از آن، خصوصاً در مطالعات بالینی توانایی آن برای اندازه‌گیری هر گونه تغییر در ذهن است. (اسپرلینگر ۱۹۷۶)<sup>۲</sup> و وسیله‌ای قابل انعطاف است (دیتی ۱۹۹۱)<sup>۳</sup>. این روش شبیه مصاحبه‌ای است که نتایجی را فراهم می‌کند و دارای سه جزء اصلی است: ۱- عناصری که منطقه و حدود ساختار مورد مطالعه را تعریف می‌کند. ۲- ساختارهای ذهنی و شیوه‌هایی که شخص عناصر را گروه‌بندی نموده، متمایز می‌سازد و بوسیله آن خود و جهان اطراف را شناخته و ارزیابی می‌نماید<sup>۳</sup>- مکانیزم اتصال که نشان می‌دهد که چگونه هر عنصر در هر ساختار مورد قضاوت واقع می‌شود.

اگر چه این تکنیک توسط کلی بر طبق تئوری شخصیتی‌اش اختراع گردید، نبایستی تصور شود که این متد تنها اجباراً در چهارچوب تئوریک‌اش استفاده شود. نویسندگانی مثل فرانزلا و

<sup>1</sup> Kelly

<sup>2</sup> Spurlinger

<sup>3</sup> Dainty

بنیزتر<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) بنیزتر و مایر<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) اعتقاد به استفاده از این تکنیک بدون هیچگونه ارتباطی با تئوری شخصیتی کلی دارند. برای مثال اصل فردیت در تئوری کلی تاکید دارد که "اشخاص از همدیگر در ساختارشان از حوادث متفاوت می‌باشند" (کلی ۱۹۹۵). بنابراین ساختار ذهنی یک شخص امکان ندارد که دقیقاً برای شخص دیگر مثل ساختار ذهنی خودش مفید فایده باشد و بتواند گویای فکر و نظر وی باشد. علیرغم این نظر مطالعات تحقیقی فراوانی وجود دارد که از ساختارهای ذهنی از پیش تهیه شده‌ای جهت گروه‌ها استفاده می‌شود و نتایج شبکه‌هایشان را در کل گروه تجزیه و تحلیل آماری می‌کند (واتسون<sup>۳</sup> ۱۹۷۰ و فرانزلا وجودی ستن ۱۹۷۱، اسپرلینگر ۱۹۷۶ ویترو تریپت<sup>۴</sup> ۱۹۷۷، شاور<sup>۵</sup> ۱۹۸۱، کوچ<sup>۶</sup> ۱۹۸۳). شاور برنامه کامپیوتری شبکه‌های اجتماعی (Socio grids) که یکی از روابط بین گروهی را نشان می‌دهد ایجاد کرد. به علاوه برنامه کامپیوتری شبکه‌های متعدد (Multi grids) جهت تجزیه و تحلیل شبکه‌هایی ایجاد گردید که دارای عناصر و ساختارهای ذهنی یکسان برای تمام افراد یک گروه می‌باشد.

### روایی (Validity)

فهرست ساختارها تقریباً از هر روش روانشناختی دیگری متفاوت می‌باشد چرا که به طور رسمی دارای سازمان و ساخت بوده در حالی که از جهت محتوا کاملاً بدون قید بوده و آزاد است. این تنوع در استفاده از شبکه‌ها سوالات را در روایی این متد ایجاد می‌کند: منطقی است که درباره روایی شبکه تنها در شیوه‌ای سخن بگوییم که درباره روایی مجذور خی گفتگو می‌کنیم. واضح است که مجذور خی مثل دیگر روش‌های آماری چارچوبی است که اگر الگو و یا معنایی در داده‌های مورد تحلیل وجود داشته‌باشد آماری آشکار خواهد ساخت. این، دقیقاً آن چیزی است که باید در مورد یک شبکه گفت. روش مجذور خی یک تست نیست و دارای محتوای خاصی نیست و روایی‌اش تنها در این مقوله مورد نظر قرار می‌گیرد که ما بتوانیم بررسییم آیا این روش به طور موثر الگوها و روابط انواع معین داده‌ها را آشکار می‌سازد. این

<sup>1</sup> Franselia

<sup>2</sup> Mair

<sup>3</sup> Watson

<sup>4</sup> Winter & Trippet

<sup>5</sup> Shaw

<sup>6</sup> Koch

بدین معنا است که ما باید درباره روایی فهرست ساختارها به شیوه‌ای صحبت کنیم که از آنچه که درباره روایی برای مثال یک پرسشنامه است متفاوت باشد. کلی در اینجا دارای سخن جالبی است که در اصطلاحات مربوط به تئوری ساختاری متجلی می‌شود. وی روایی را معادل با مفید فایده بودن کاربردها می‌داند.

### روایی در اصطلاح مفید فایده بودن

تحقیقات زیادی را می‌بایم که فهرست ساختارها را به عنوان یک وسیله برای اهداف روانشناختی، بالینی، اجتماعی، تجاری و حتی سیاسی مورد استفاده قرار می‌دهد و تقریباً تمام آنها آن را مفید گزارش کرد. برای مثال مخلوف<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۷۵) در تحقیق بر روی اسکیزوفرنیا، فلیدمن<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) در اندازه‌گیری تصور بدنی افراد بزرگسال و یونسی (۱۹۹۶) در اندازه‌گیری تصور بدنی کودکان، دیوک (۱۹۷۳) در روابط اجتماعی، فرانزلا و بنیزتر (۱۹۶۷) در سیاست، سالمون (۱۹۷۶) و ابلبی (۱۹۷۶ و ۱۹۷۵) در میان کودکان کم سن (حدود ۵ ساله) با موفقیت اجراء گردیده است. (نورتون و همکاران ۱۹۹۶). در میان کودکان با تاخیرهای رشدی این تکنیک دارای کارایی مطلوبی در اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی مربوط به تصور بدنی در موقعیت‌های متفاوت میباشد. (دودنی<sup>۳</sup> و همکاران ۱۹۹۵).

بعضی از نویسندگان مثل دین‌تی (۱۹۹۱) اعتقاد دارند که هیچ اشکالی برای استفاده از این تکنیک به عنوان روش معنا شناسی افتراقی وجود ندارد و می‌تواند روش مفیدی در اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی و نگرش کودکان نسبت به خود و جهان اطراف باشد.

در مطالعه‌ای که با گروه‌های بالای صد نفر انجام شد، یونسی (۱۹۹۸)، روایی همزمان این تکنیک را مورد مطالعه قرار داد و نشان داد که روایی همزمان قابل قبول است: این تکنیک به عنوان یک مصاحبه سازمان یافته جهت مطالعه تصور بدنی کودکان استفاده شد. این روش با طرح عناصر مهم ذهن، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند تا کودکان قادر به فکر درباره احساسات و باز خورد هایشان در رابطه با موقعیت‌های متفاوت از جمله بدنشان باشد. یونسی این تکنیک بدون توجه به تئوری ساختار شخصی (جرج کلی) مورد استفاده قرار داد.

<sup>1</sup> Makloaf

<sup>2</sup> Fidelman

<sup>3</sup> Dowdney

**اعتبار (Reliability)**

بعضی از نویسندگان اعتبار این تکنیک را در موضوعات متفاوت مورد مطالعه قرار دادند. برای مثال هانس<sup>۱</sup> (۱۹۷۸)، لندزاون<sup>۲</sup> (۱۹۷۵)، اسپرلینگر (۱۹۷۶)، لندفیلد<sup>۳</sup> (۱۹۷۱) اعتقاد دارند که ارتباط بالائی بین تست و تست مجدد شبکه‌ها در تحقیقات متفاوت وجود دارد. لندزاون (۱۹۷۵) در مطالعه با کودکانی که فهرست ساختار ۸ در ۸ را تکمیل کرده بودند (دارای ۸ عنصر و ۸ ساختار ذهنی) دریافت که اعتبار منطقی در طول زمان (Over time) در کاربرد این روش برای کودکان وجود دارد. او اظهار داشت که با افزایش فاصله بین تست و تست مجدد تاثیر زمان وجود داشته و منتهی به اعتبار پایین تر می‌گردد. با توجه به اینکه سیستم ساختار ذهنی کودکان مدام در حال تحول بوده و تغییر می‌یابد ضروری است که این امر مورد مطالعه قرار گیرد. در این مطالعه اعتبار این تکنیک در طول زمان در رابطه با اندازه‌گیری تصور بدنی میان کودکان و نوجوانان سالم (بدون معلولیت فیزیکی) در مدارس لندن مورد مطالعه قرار گرفت. براساس نتایج بدست آمده آزمودنی‌ها در دو گروه کودک و نوجوان اعتبار (در مدت زمان چهار هفته) قابل قبولی را نشان دادند. (یونسی<sup>۴</sup> ۱۹۹۸).

**روش (Method)**

همانطوری که متذکر شدیم این تکنیک به عنوان وسیله‌ای برای اندازه‌گیری احساسات و بازخوردهای کودکان نسبت به خود و بدنشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. احساسات شامل توانایی، سلامتی، بیماری و اضطراب مربوط به بدن می‌باشد.

**استخراج ساختارهای ذهنی (Eliciting of constructs)**

در این قسمت از مقاله به عنوان نمونه، شیوه استخراج ساختارهای ذهنی در میان کودکان معلول فیزیکی توضیح داده می‌شود. با توجه به انعطاف‌پذیری بالای این تکنیک براساس توانایی‌های ذهنی کودک می‌توان سوالات را محدود نموده و یا تغییر داد. ۲۰ تصویر از کودکان سالم و کم توان فیزیکی که آنها را در حال انجام فعالیت‌های متفاوتی نشان می‌دهد

<sup>1</sup> Honess<sup>2</sup> Lansdown<sup>3</sup> Land Field<sup>4</sup> Yonnesi

تهیه گردید. مصاحبه‌هایی با ۸ کودک سالم (۵ دختر و ۳ پسر) و ۹ کودک کم توان فیزیکی (۴ دختر و ۵ پسر) که در سنین ۱۰ و ۱۱ ساله بودند انجام گردید. بعد از جفت کردن تصاویر مربوط به کودکان کم توان فیزیکی با کودکان سالم تصاویر به آزمودنی‌های فوق‌الذکر نشان داده شد و سوالاتی از آنان گردید:

۱ - چه فرقی بین این دو تصویر است؟ (تصویر کودک کم توان فیزیکی و کودک عادی)

۲ - آیا مشابهتی بین آنان وجود دارد؟ چگونه آنان با هم مشابهت دارند؟

۳ - این کودک در مورد بدن خودش چگونه فکر می‌کند؟ (اشاره به تصویر کودک کم توان فیزیکی و یا کودک سالم)

۴ - چه تفاوتی در احساسات و نظرات آنان در مورد بدنشان وجود دارد؟

پرسش‌ها از آزمودنی‌ها آنقدر ادامه یافت تا تمام تصاویر مورد سوال قسراً گرفتند. سپس سوالات در مورد بدن خود کودک متمرکز گردید: شما خودت چه احساس و یا فکری در مورد بدن خود داری؟

اگر من از پدر و یا مادرتان در مورد بدن شما بپرسم فکر می‌کنید آنها چه خواهند گفت؟ هر کودک در طول مصاحبه حدود ۶ تا ۸ ساختار ذهنی مربوط به بدن را ابراز کرد و سپس از آنها پرسیده شد که قطب مخالف هر ساختار ذهنی را بیان کند. البته با دادن بعضی مثال‌ها به کودکان توضیح داده شد که منظور از قطب مخالف چیست.

۱۲ ساختار ذهنی با قطب‌های مخالف آنها که کودکان به طور مشترکی آنها را تکرار کرده و در طول مصاحبه مرتب آنها را اظهار می‌کردند انتخاب گردید:

عصبانی	خوشحال
بدون احتیاج به کمک	احتیاج به کمک
مریض	بسیار خوب
غیر عادی	عادی
غیر قادر به انجام چیزها	قادر به انجام چیزها
بد	خوب
سخت	آسان
با نگرانی در مورد بدن	بدون نگرانی در مورد بدن
متفاوت از کودکان	مثل کودکان

سالم	دردناک
ناجور	جور
سریع	آهسته

### عناصر (Elements)

در طول مصاحبه دریافت شد که در بعضی از موقعیت‌ها کودکان درباره بدنشان بسیار نگران بودند، برای مثال در رابطه با قضاوت‌های مردم در مورد بدنشان و یا وقتی که می‌خواهند به بازی بپردازند. در این پژوهش چند عنصر توسط آزمایشگر انتخاب گردید:

۱ - بدن من وقتی که من می‌خواهم بازی کنم.

۲ - بدن من چگونه که توسط مردم دیده می‌شود.

۳ - بدن بهترین دوست من.

۴ - بدن پدرم/ مادرم/ خواهرم/ و یا برادرم.

بعلاوه بعضی از عناصر از قبل تهیه شده براساس اهداف پژوهش بکار گرفته شد:

بدن واقعی ام (بدنی که من در حال حاضر دارم هستم)

بدن ایده‌آل و آرمانی (بدنی که من آرزو دارم که آن را داشته باشم)

### تکمیل کردن شبکه‌ها توسط کودکان

از سیستم پاسخ دادن با ۵ نمره از ۲- تا ۲+ استفاده شد. به هر کودک توضیح داده شد که چگونه داخل مستطیل‌ها را علامت بگذارد. جدول شماره (۲) یک مورد را نشان می‌دهد:

من درباره بدن واقعی‌ام احساس:

جدول - ۱

۲	۱	۰	-۱	-۲
---	---	---	----	----

تعدادی سوال درباره بدن شما دارم، آنها را می‌خوانم، هیچ‌گونه جواب غلط و یا درستی وجود ندارد. شما می‌توانید هر مستطیل را که می‌خواهید انتخاب کنید. اجازه بدهید که بیشتر توضیح بدهم برای مثال: اگر شما این مستطیل را انتخاب و علامت × بزنید (اشاره به اولین مستطیل در نزدیکی کلمه خوب) آن بدین معناست که شما احساس می‌کنید که بیشتر اوقات

بدنتان خوب است و اگر مستطیل سوم (وسطی را) انتخاب کنید بدین معناست که بعضی اوقات احساس خوبی در مورد بدنتان دارید. و اگر شما اولین مستطیل نزدیک کلمه بد را انتخاب کنید این بدین معناست که شما احساس بدی در مورد بدنتان دارید. شما هر مستطیلی را که فکر می‌کنید بهتر از همه بدنتان را توصیف می‌کند می‌توانید انتخاب کنید. شما باید دلیل خوبی برای انتخاب خود داشته باشید.

البته برای کودکان کم‌توان ذهنی به جای پاسخ‌دهی و نمره‌گذاری در پنج سطح می‌توان از سه و یا حتی دو سطح (به صورت دو قطبی) استفاده کرد. مصاحبه اضافی با هر کودک که نمرات منفی به بدنش و یا بدن دیگران داده بود انجام شد. بعد از پایان تکمیل کردن شبکه‌ها از آنان خواسته شد که دلایل خودشان را جهت انتخاب‌شان ارائه کنند.

### نمونه مورد مطالعه

در مطالعه‌ای مقدماتی در یک نمونه کوچک ۶ کودک ناتوان و ۶ کودک عادی شبکه‌های مورد نظر را کامل کردند. این نمونه مورد مطالعه کوچک به طور تصادفی از چهار مدرسه در جنوب لندن انتخاب شدند. جدول شماره (۲) توزیع فراوانی آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد: جدول ۲:

گروه‌ها	پسر	دختر	سنین
کم توان	۳	۳	۸ - ۹ سال
عادی	۳	۳	۸ - ۹ سال

### نتایج (Results)

تحلیل نتایج شبکه را می‌توان به شیوه‌های متفاوتی انجام داد: ۱ - ممکن است که هر شبکه متعلق به هر آزمودنی را به طور جداگانه تحلیل کرد. ۲ - و یا تحلیل کل شبکه‌های متعلق به آزمودنی‌ها را به عنوان یک گروه انجام داد. بعضی از نویسندگان مثل شاولیو دوم را انتخاب کردند. در اینجا نتایج به عنوان یک گروه تحلیل گردید (براساس شیوه دوم).



جهت تحلیل نتایج شبکه‌ها بصورت یک گروه نتایج آزمودنی‌ها در ساختارهای ذهنی‌شان برای هر عنصر در گروه محاسبه شد. با استفاده از آزمون  $t$  نتایج تفاوت معنادار بین دو گروه را در بعضی عناصر نشان داد ( $p < 0.05$ ) ۱- بدنی که توسط مردم دیده شده است ۲- بدن واقعی ۳- بدنی که در حال بازی است. تفاوت معنادار بین دو گروه مشاهده شد (یونسی ۱۹۹۸)، و تفاوت‌های معناداری در پژوهش با گروه‌های بالای ۱۰۰ نفر، در عناصر مختلف مشاهده کردیم (همان منبع).

### نتیجه‌گیری

این تکنیک به علت داشتن انعطاف بالا در اجرا و تحلیل نتایج و آسان بودن اجرای آن برای کودکان حتی با توان ذهنی کم و دور نگهداشتن محقق از تحمیل سوالات به کودکان فرصتی مناسب جهت اندازه‌گیری مفاهیم ذهنی در کودکان کم‌توان ذهنی ایجاد می‌کند. مضافاً اینکه با قرار دادن کودک در موقعیت کاملاً عینی (Objective) (تصاویر) مفاهیم ذهنی را آن طور که در ذهن کودک است استخراج می‌کند. ضمناً بهانه‌ای برای مصاحبه‌های تکمیلی براساس ساختارهای بیان شده ذهنی کودکان بدست روانشناس بالینی می‌دهد که اطلاعات جامعی از طرز تفکر و نگرش کودک با هر سطح از توان ذهنی فراهم کند.

### REFERENCES:

- Applebee A.N (1975) Developmental changes in consensus in construing within, *British journal of Psychology*, 66, 4, PP. 473-480.
- Applebee A.N (1976) Developmental of children's to Repertory Grids, *British journal of Social and Clinical Psychology*, 15, PP. 101-102
- Bannister D. and Mair J.M (1968) *The evaluation of personal constructs*, Academic press, London
- Dainty P. (1991) Management Field research using repertory Grid: Problems and possibilities, in the management research handbook, Edited by: Craig Smith N. and Dainty P, Routledge.
- Dowdney, L. woodwar, L. Pickeles. A & Skuse, D(1995). The body image perception and attitudes scales for children. Reliability in growth retarded and community comparison subjects. *Journal of Method in Psychiatry Research*, 5, 29-49.
- Duck S.W (1973) Similarity and perceived similarity of personal constructs as influences on friendship choice. *British journal of Social and Clinical Psychology*. 12, PP. 1-6
- Fieldman M.M.(1975) The body image and object relations: Exploration of a method utilizing repertory Grid technique. *British journal of Medical Psychology*, 48, PP, 317-332
- Fransella F. and bannister D.(1967) A validation of repertory Grid technique as a measure of political construing. *Acta Psychological* 26, PP. 97-106
- Fransella F. and bannister D. (1977) *A manual for repertory Grid technique*. Academic press.
- Fransella F. and Joyston – Bechal M.P.(1971) An investigation of conceptual process and pattern change in a psychotherapy group. *British Journal of Psychiatry*, 119, PP. 199-206

- Honess T. (1977) A comparison of the implication and repertory grid technique. *British Journal of Psychology*, 59, PP. 305-314
- Kelly G.A.(1955) *The psychology of personal constructs*, vol 1 & 2, Norton, New York.
- Koch H.C.H (1983) Correlates of changes in personal construing of members of two psychotherapy groups: changes in affective expression, *British Journal of Medical Psychology*, 56, PP. 323-328
- Landfield A.W (1971) *Personal construct systems in psychotherapy*. Rand Mc Nally, Chicago.
- Lansdown R. (1975) Reliability study of the 8&8 repertory Grid. *Association of Educational Psychology Journal Fal*, Vol, 3(10) PP. 24-25
- Makhlouf Norria F, Gwynne Jones H. and Hugh Norris (1975) Articulation of the conceptual structure in abessional. *British journal of Social and Clinical Psychology*, 9, PP. 264-274
- Norton, K.L. olds, T.S, olive S. and Danck, S.(1996) Ken and Baraie at life size. *Sex roles*, 34 (3-4). 287-294
- Salmon P. (1976) Grid measures with child subjects. In "Exploration Of Intrapersonal Space" Edited by: slater P. Vol, 1, wily, London.
- Schilder P.(1935) *The image and appearance of the human body*, Studies in constructive Energies of the psyche. Kagan paul, London
- Shaw M.L.G(1981) *Recent advances in personal construct technology*, Academic Press, London
- Slade D. (1988) Body image in Anorexia, *British Journal of Psychiatry*, (Suppl.2) PP. 20-22
- Sperlinger D.J (1976) Aspects of stability in the repertory grid. *British journal of Medical Psychology*, 49, PP. 341-347
- Tschudi F. (1993) *Flexigrid 5.21, Tschudi system sales, norway*.
- Watson J.P (1970) A repertory grid method of studying groups. *British Journal of Psychiatry*, 117, PP. 309-318
- Watson J.P (1972) Possible measures of change during group psychotherapy. *British journal of Medical Psychology*. 45, PP. 71-76
- Winter D.A and Trippett C.J (1977) Serial change in group psychotherapy. *British journal of Medical Psychology*. 50, PP. 341-348
- Younesi J. (1995) BCI. Body concept inventory. *European journal of Psychological Assessment*. Vol 11(1). 52
- Younesi J. (1998). Study of psychosocial adjustment among physically disabled children and adolescents in relation to the development of body image. Unpublished thesis. University of London, England.